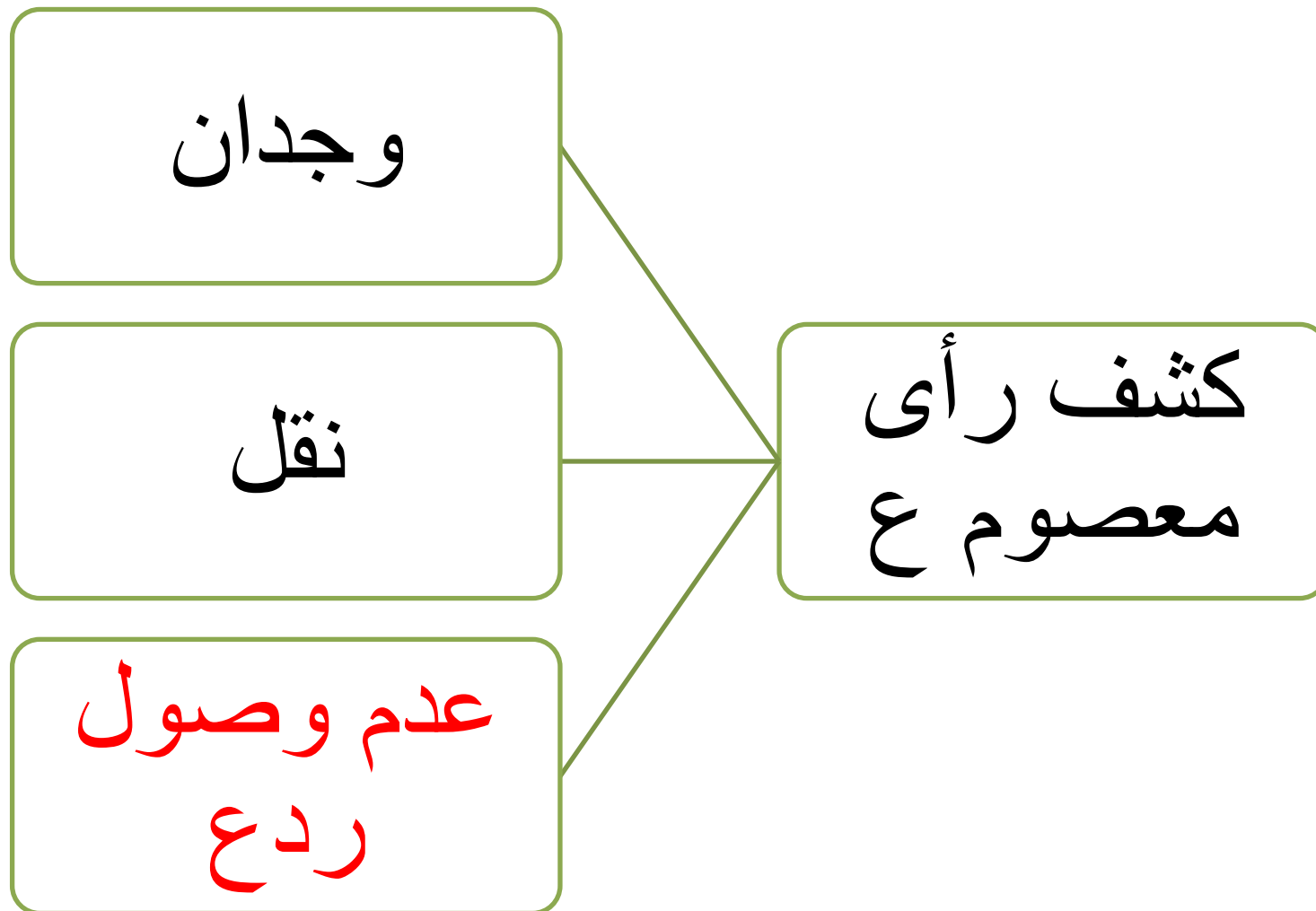
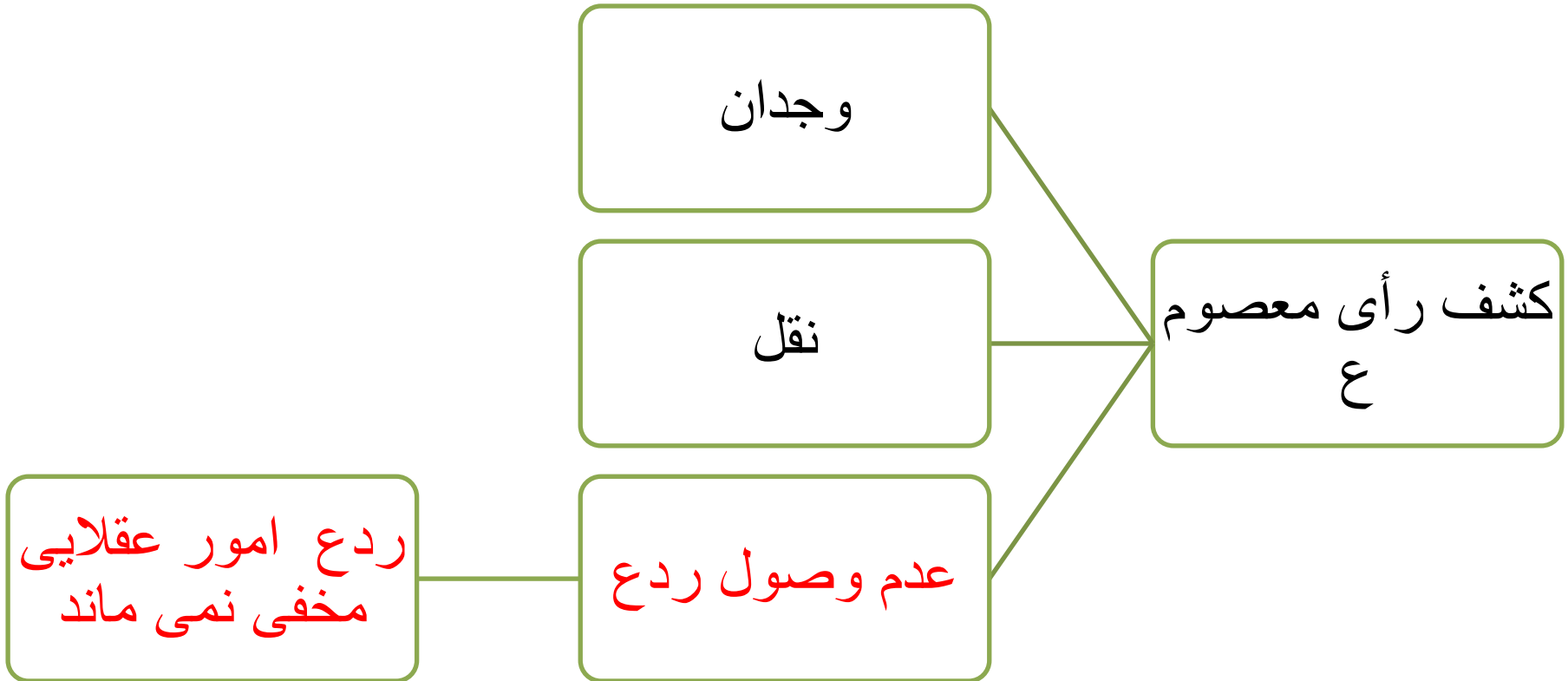


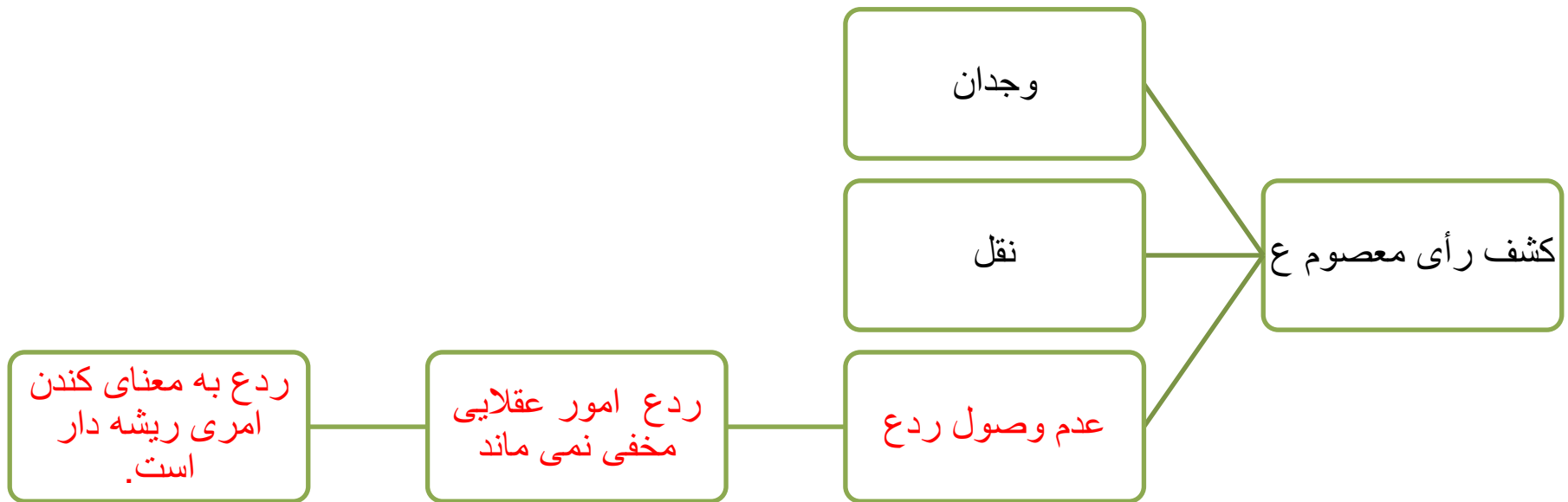
# علم أصول الفقه

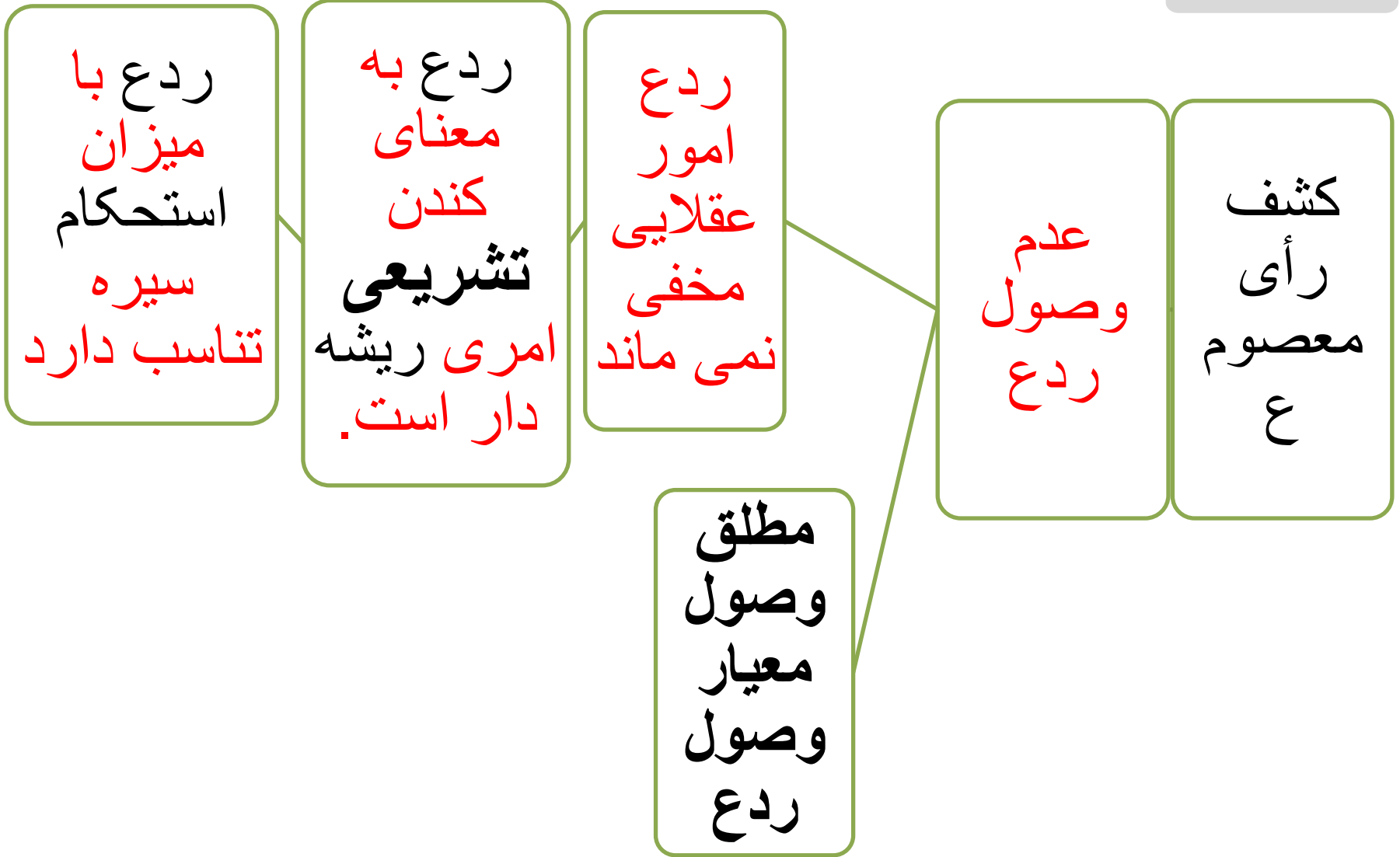
٢٤-١-٩٣ حجية الظن فى نفسه ٧٣

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني









## راه كشف امضای معصوم

- نتیجه بخش بودن ردع
- اگر به ردع معصوم - علیه السلام - توجهی نشود، اصلاً ردع حاصل نمی‌شود؛ یعنی اینکه حضرت چیزی می‌فرمایند و مردم اعتنا نمی‌کنند به گونه‌ی که اگر دوباره چنین چیزی زمینه تحقق پیدا کند، مردم بدان گرایش پیدا می‌کنند و به همان **رویه** عمل می‌کنند، ردعی محقق نشده‌است.

## راه كشف امضای معصوم

- در حقیقت در این موارد هنوز حضرت به مسئولیت خودش عمل نکرده است.
- حضرت باید آن قدر بیان کنند که اگر دوباره زمینه آن کار پیدا شد، مردم آن کار را نکنند.
- اگر ردع با این خصوصیت انجام شود، حتماً به نسل‌های بعد منتقل می‌شود.

## راه كشف امضای معصوم

- به عبارت دیگر اگر صرف بیان حضرت برای انجام مسئولیت کافی بود، همین که حضرت در گوش یک نفر بگویند ما با این چیز مخالفیم، به مسئولیت خودش عمل کرده بود در حالی که ردع این است که وقتی مردم زمان حضرت روشی دارند یا دیدگاهی دارند که حضرت با آن مخالفاند، جلوی ایشان را بگیرند.



## راه كشف امضای معصوم

- ردع یعنی برگرداندن؛ البته نه اینکه همه را به جبر برگردانند، بلکه مخالفت طوری باشد که در حد ممکن است به دیگران برسد تا جلوی این جریان گرفته شود.

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ
- این نکته ثبوتی در بحث سیره و ارتکاز بسیار مهم است که سیره‌ها و ارتکازات عقلایی به لحاظ کمیت و کیفیت با هم متفاوت‌اند؛ یعنی میزان رسوخ یک سیره در جامعه یا یک ارتکاز در اذهان مردم و نیز مقدار شیوع سیره‌ها فرق می‌کند. اگر معصوم - علیه السلام - می‌خواهد با یک سیره یا ارتکاز مخالفت کند، میزان مخالفتش به لحاظ کمیت و کیفیت تابع میزان آن سیره و ارتکاز است.

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- گاه زمینه تحقق یک سیره کم و گاهی و زیاد است؛ مثلاً میزان گسترش سیره در حجیت ظهور با مسأله حیازت به یک اندازه نیست.

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- ظهور چیزی است که انسان دائم با آن سر و کار دارد. مردم از صبح تا شب با هم حرف می‌زنند و در تمام سخن گفتن‌ها به ظواهر کلمات یکدیگر اخذ می‌کنند.
- بنابراین ظهور چیزی نیست که انسانی در زندگیش **با آن برخورد نداشته باشد.**
- اما ممکن است یک نفر اصلاً در عمرش حیازتی نکرده باشد یا اگر هم حیازتی کرده‌است، چنین نیست که هر روز نیاز به حیازت داشته باشد.

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- بنابراین اگر شارع حجیت ظهور را در حوزه امور دینی قبول ندارد، ممکن نیست با یک بار گفتن این سیره یا ارتکاز را ردع کند؛ زیرا چیزی که در عمق جان مردم نفوذ کرده‌است و در ذهن آن‌ها راسخ است و به آسانی نمی‌توان آن را از ذهن‌ها پاک کرد.

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- انسان که به صورت عادی به پیش فرض‌ها و زمینه‌های ذهنی و عملی خود توجهی ندارند. اگر مثلاً به عوام بگویند ظواهر حجت است یا نه؟ از شنیدن این واژه متحیر می‌شود؛ چون با توجه به اینکه زندگی‌اش ناخودآگاه بر اساس ظواهر سامان یافته‌است، اصلاً احتمال مشروع نبودن ظواهر را هم ندهد. بنابراین شارع باید مخالفتش را مکرر به لحن شدید و با تعابیر مختلف بیان کند تا بتواند این جریان را تغییر دهد.

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- بنابراین اگر در یک کتاب غیر معتبر روایتی ذکر شود که شارع این سیره‌ها را ردع کرده‌است، گرچه وصول ردع صادق است، به درد نمی‌خورد، بلکه حتی اگر همین یک روایت به سند معتبر هم به دست ما برسد، به درد نمی‌خورد؛ چون اگر ائمه — علیهم السلام — واقعاً مخالف بودند، نمی‌شود سیره‌های با این گسترش و عمق را با یک روایت غیر معتبر یا حتی معتبر ردع کرده باشند.

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- برای همین اگر روایت رادع به سند معتبر رسیده باشد، آن را به تأویل می‌بریم و می‌گوییم مقصود حضرت این نبوده‌است؛ چنان‌که درباره روایات ناهی از اخذ به ظواهر قرآن چنین می‌گویند.



## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- بلکه اگرده‌ها روایت داشتیم که ظواهر حجت نیست، همه را کنار می‌گذاشتیم؛ چون اصولاً اخذ به ظاهر نکردن یک چیزی نیست شارع بتواند از این طریق جلوی آن را بگیرد.
- باید شارع سیستم بیانی خودش را که به فرض غیر از سیستم بیانی عقلا است، با شدت و تأکید بیان می‌کرد به گونه‌ای که عمل به آن سیستم به یک رویه عمومی تبدیل شود.

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- چگونه ممکن است طی بیش از این دو قرن و نیم که معصومین - علیهم السلام - حضور داشتند، هیچ کس **چنین** سیستمی را از شارع ندیده باشد و فقط روات راویات رادع شنیده باشند!

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- اگر می‌بینیم ائمه - علیهم السلام - وقتی به مسأله قیاس می‌رسند این قدر شدید برخورد می‌کنند و مکرر مخالفتشان را ابراز می‌کنند به گونه‌ای که الآن بطلان قیاس نزد شیعه جزء مسلمات است، به این دلیل است که قیاس ریشه عمیقی در ذهن بشر دارد، بلکه اساساً ذهن بشر قیاسی است.
- در مورد ردع ربا نیز می‌بینیم این همه آیات و روایات با لحن تند آمده‌است. این بدان سبب است که سیره عمل به ربا قوی بوده‌است.

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- همچنین ارتکاز خرید و فروش اعضا، اصلاً در زمان حضرت سیره‌ای در پی خود نداشت، بلکه اصلاً تحقق عینی نداشت. به همین سبب ردع شدیدی نیاز نداشت. حال اگر حضرت در یک جمعی می‌فرمودند که خرید و فروش اعضای بدن جایز نیست، همه جمع تعجب می‌کردند که مگر بازار خرید و فروش اعضای بدن هم وجود دارد! به طور طبیعی این جماعت در جای دیگر این را می‌گفتند که حضرت فرمودند: ... دوباره آن‌ها هم تعجب می‌کردند که مگر چنین بازاری وجود دارد! و همین طور هر گروهی به گروه دیگر منتقل می‌کرد.

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- می‌بینیم چون عقلاً چنین ارتکازی دارند و این ردع با ارتکازشان سازگار نیست حساسیت‌هایشان جلب می‌شود؛ هرچند این ارتکاز در زمان ایشان مصداق نداشته است. به یقین این فرق دارد با جایی که حضرت یک حکم جزئی فرعی شرعی را برای یک دو نفر خاص بیان کنند و بعد آن‌ها هم ممکن است برای یکی دو نفر دیگر بگویند و شاید طبقات بعدی اصلاً نقل نکنند.

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- همچنین نحوه ردع ارتکاز با نحوه ردع سیره فرق می‌کند.
-

## تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- می‌گوید: «اگر قیاس در دین وارد شود دین از بین می‌رود و نابود می‌شود.»
- ایت تک جمله از شما در هیچ جا توضیحی درباره‌اش داده نشده مگر مقصود شما همین مباحثی باشد که در همین بخش آمده و مثلاً به طور کلی ارتکاز را ضعیف تر از سیره بدانید پس ردعش هم ضعیف تر است!

## راه کشف امضای معصوم

- عدم تقیه در ردع نکردن
- اگر در یک فضای خاص شارع ردعی نکند به این دلیل که نمی‌توانسته ردع کند، در این صورت عدم ردع شارع کاشف از امضاء نیست؛ مثلاً کسی چیزی را در مقابل حضرت می‌گوید و حضرت در آن مجلس به دلیل لزوم تقیه نمی‌توانستند مخالفت کنند. در اینجا سکوت حضرت (عدم ردع) در قبال این مطلب دلیل بر امضاء آن نیست. معمولاً در سیره و ارتکاز نمی‌توان تصویر کرد که وضعیت عمومی طوری باشد که معصوم هیچ‌گاه و در هیچ مجالی امکان ردع نداشته باشد.



## راه كشف امضای معصوم

- البتہ در تأیید رفتارهای خاص احتمال تقيه وجود دارد و باید احراز کنیم حضرت در تقيه نبودند.

## راه کشف امضای معصوم

• مبانی مختلف در شرطیة دوم

• مبانی مشهور

• شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - و بیشتر فقها و اصولی ها فرموده اند باید احراز کنیم یک سیره و ارتکاز امضا شده است تا بتوانیم به عنوان دلیل برای اثبات حکم شرعی به آن تمسک کنیم؛ به عبارت دیگر که حجیت یک سیره یا ارتکاز عقلایی احراز نمی شود مگر اینکه ما احراز کنیم که شارع آن را امضا کرده است.

## راه كشف امضای معصوم

- احراز امضا از نظر مشهور به احراز عدم ردع حاصل می شود.
- برای احراز عدم ردع باید عدم وصول ردع احراز شود.
- بنابراین احتمال ردع مانع از تمسک به یک سیره و ارتکاز می شود.

## راه کشف امضای معصوم

- مبنای محقق اصفهانی به تقریر شهید صدر
- محقق اصفهانی رضوان الله تعالی علیه - بخلاف نظر مشهور می فرماید سیره یا ارتکاز عقلایی شرعاً حجت است مگر اینکه احراز کنیم که شارع آن را ردع کرده است.
- بنابراین مانع از تمسک به سیره یا ارتکاز احراز ردع است نه احتمال ردع و به تعبیر دیگر احتمال امضاء کافی است و احراز امضا لازم نیست و تا یقین به ردع پیدا نکردیم، اعتبار سیره و ارتکاز به حال خودش باقی است.